

حوثی‌های یمن شریعت را مطابق خواسته‌های خودشان توجیه می‌کنند!

(ترجمه)

رئیس شورای عالی سیاسی حوثی‌ها، مهدی المشاط، قانون زکات را زیر نام "خُمس" صادر کرد که متشکل از چند باب و دارای 38 صفحه می‌باشد. در باب سوم "اموالی که در آن‌ها زکات واجب است" در فصل هشتم زیر عنوان امور متعلق به رکاز و معادن در ماده (47) بند (الف) چنین آمده است: خُمس از سنگ معدن و مواد معدنی استخراج شده از سطح زمین یا دریا که جامد یا مایع باشد، مانند طلا، نقره، مس، الماس، گارنت، زمرد، فیروزه، نفت، گاز، جو، آب، نمک، سیماب، سنگ‌های قیمتی، گوهر و مرمَر یا هر آنچه که از سایر مواد معدنی با ارزش است، واجب می‌باشد. در فقره (ب) ماده متذکره آمده است: هر آنچه که از بحر استخراج می‌گردد، مانند ماهی، مروارید و عنبر، خُمس آن باید به عنوان زکات پرداخت گردد. بند (ج): اگر عسل از درخت یا غارها بدست آید، باید خُمس آن وجوباً پرداخت شود. و بند (د) صراحت دارد: پس از تصویب رئیس کمیته جمع‌آوری زکات، با موافقه مجلس سیاسی مقررهای پیرامون توزیع، تحصیل و تنظیم و محاسبه امور زکات صادر خواهد گردید. و اما ماده (48) فقره (الف): دارائی بدست آمده از رکاز و معدن و آنچه که در ماده 47 ذکر شده است را به شش سهم تقسیم کرده اند؛ قرار ذیل می‌باشد.

سهم نخست: سهم الله متعال بوده و برای مصلحت عمومی مسلمانان، مانند جاده‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، دستمزد کاگران، چاپخانه‌ها، کتاب‌های عمومی و برنامه‌های درسی، حفر چاه‌ها، اسلحه و لوازم، قابل مصرف می‌باشد.

سهم دوم: سهم پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده، که برای متولی امور، تحت هر شرایطی قابل تصرف است.

سهم سوم: برای خویشاوندان بنی هاشم، که الله متعال صدقه را برای‌شان حرام گردانیده است، به جای زکات، خُمس مال داده خواهد شد، که فقرای آنان در اولویت قرار دارند.

سهم چهارم: برای یتیمان مسلمان، از جمله بنی هاشم به مصرف خواهد رسید.

سهم پنجم: برای همه مسلمانان نیازمند، به ویژه بنی هاشم پرداخت می‌گردد.

سهم ششم: در بانک ابن السبیل بنی هاشم یا سایر مسلمانان به مصرف خواهد رسید.

وضعیت گروه حوثی‌های امروزه همانند حالت گروه‌ها و احزابی است که ادعای اسلام را دارند، اگر آنان قدرت بگیرند و نظام جمهوریت را تصرف نمایند، دان راضی خواهند گردید. اسلام و برخی از احکام آن را فقط در قالب یک شعار بخاطر جاه‌طلبی و نهادینه کردن اهداف شخصی خویش روی دست می‌گیرند و سپس برای غارت دارای مسلمانان با استفاده از شعارهای اسلامی قوانین شخصی خویش را می‌سازند؛ از جمله شعار زکات؛ اگرچه اعطای زکات بالای آن عده افرادی که بیشتر از نصاب پول داشته باشند واجب است. اما آن‌ها چگونه دارائی‌ها را دزدیده و مسلمانان را از حقوق کم‌شان محروم می‌کنند؟! با وجودی که این کار زیر نام مالیات، ممنوع است؟! و آن‌ها چگونه به بهانه‌های مختلف محصولات نفتی را بالا می‌برند؟! اخذ و تطبیق خُمس که یک حکم

شرعی می‌باشد، اما بدون حاکمیت اسلام به معنی بلعیدن اموال مسلمانان است؟! واقعیت قانون کنونی ساخت حوثی‌ها متفاوت از واقعیت قانون وضعی بشری است که 30 سال در یمن حکومت راند؛ اما حوثی‌ها که خود را حامل قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌دانند، قانونی ساخته‌اند که کاملاً مخالف شریعت است.

در قانون‌گذاری حوثی‌ها میان خُمس، معدن و ملکیت عامه خلط صورت گرفته، که در این جا به تفصیل آن می‌پردازیم:

نخست- خُمس: مراد از خُمس، غنایمی است که تقسیم می‌گردد. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ (انفال: 41)

ترجمه: بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای الله و برای پیامبر، و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آن‌ها) است.

خُمس در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم به پنج بخش تقسیم می‌شد: یک بخش برای الله متعال و رسولش، یک بخش برای خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه وسلم و سه بخش باقی مانده برای یتیمان، نیازمندان و ابن سبیل.

رسول الله صلی الله علیه وسلم سهم خود را از خُمس برای مسلمانان و در راه الله متعال خرج می‌نمود. بنابر این، اسلحه خریداری نموده و جنگجویان را آماده‌ی نبرد می‌ساخت. از وی صلی الله علیه وسلم روایت شده است که وقتی از حنین باز گشت، تاری را از زمین بلند نمود، گفت:

«مَا لِي مِمَّا آفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَلَا مِثْلَ هَذِهِ، إِلَّا الْخُمُسُ، وَالْخُمُسُ مَرْدُودٌ عَلَيْكُمْ»

ترجمه: من به جز از خُمس، آنچه را که الله متعال به شما داده است، ندارم و خُمس به شما داده نخواهد شد.

در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم، بخشی که مربوط خویشاوندان می‌شد، فقط برای بنی هاشم و بنی عبدالمطلب داده می‌شد. و سهم خویشاوندان برای رسول الله صلی الله علیه وسلم، در بدل نصرت بنی هاشم و بنی عبدالمطلب با رسول الله صلی الله علیه وسلم و اسلام برای آن‌ها داده می‌شد. از همین خاطر این سهمیه به این دو خانواده اختصاص یافته بود. از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت است که گفت:

«لَمَّا قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَهْمَ ذِي الْقُرْبَىٰ بَيْنَ بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي الْمُطَّلِبِ أَتَيْتُهُ أَنَا وَعُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَؤُلَاءِ بَنُو هَاشِمٍ لَا نُنْكِرُ فَضْلَهُمْ لِمَكَانِكَ الَّذِي جَعَلْتَ اللَّهُ بِهِ مِنْهُمْ، أَرَأَيْتَ بَنِي الْمُطَّلِبِ أُعْطِيَتْهُمْ وَمَنْعَتْنَا، فَإِنَّمَا نَحْنُ وَهُمْ مِنْكَ بِمَنْزِلَةٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّهُمْ لَمْ يُفَارِقُونِي فِي جَاهِلِيَّةٍ وَلَا إِسْلَامٍ، إِنَّمَا بَنُو هَاشِمٍ وَبَنُو الْمُطَّلِبِ شَيْءٌ وَاحِدٌ، وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ» (نسائی)

ترجمه: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم، سهم ذوی القربی را میان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب تقسیم نمود، من و عثمان بن عفان رضی الله عنه نزد وی صلی الله علیه وسلم رفته و گفتیم: ای رسول الله! آنان بنو هاشم اند که فضیلت شان را بخاطر مکانتی که الله متعال در میان آنان برای تو داده است، انکار نمی کنیم، آیا نمی بینی که برای بنی مطلب [زکات] دادی ولی برای ما نه، در حالی که ما و آنان نزد تو یکی هستیم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آنان در زمان جاهلیت و اسلام مرا تنها نگذاشتند، در واقع بنی هاشم و بنی مطلب یکی اند و انگشتانش را در هم فرو برد.

بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم و به خلافت رسیدن ابوبکر صدیق رضی الله عنه، سهم خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیت المال تعلق گرفته و برای مصالح مسلمانان و قسمتی دیگری آن در راه الله جل جلاله به مصرف می رسید. بعد از این که رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات یافتند، از حضرت عباس رضی الله عنه در رابطه به سهمیه خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد، وی جواب داد:

«إِنَّا كُنَّا نَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا، فَأَبَى ذَلِكَ عَلَيْنَا قَوْمَنَا»

ترجمه: ما فکر می کردیم که این سهمیه مربوط ما می شود؛ ولی قوم ما اجازه چنین کاری را ندادند.

هنگامی که از نجده حروری از خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه وسلم در این باره پرسیده شد، چنین پاسخ داد: این مال ماست. عمر رضی الله عنه از ما خواست تا با دادن قسمتی از این پول در ازدواج بیوه ها و خدمت خانواده ما را همکاری کند، ولی ما قبول ننموده و خواهان دریافت کلی این سهمیه شدیم، ولی حضرت عمر رضی الله عنه از دادن آن برای ما خودداری کرد.

امروزه غنایم در بیت المال گذاشته می شود که در مبحث غنایم آن را با دلیل بیان نمودیم و صلاحیت آن به خلیفه موكول می گردد که وی می تواند به اساس رأی و اجتهاد خودش این اموال را در راستای مصالح مسلمانان به مصرف برساند. خمس بخشی از غنایم بوده که شامل حکم آن می گردد، که می توان آن را از طریق جزیه، خراج و عشر بدست آورد.

بلی! این واقعیت خمس و حکم شرعی آن است. با این وجود چیزی که دردآور است، عدم تفقه پیروان حوثی ها است که واقعیت کنونی و احکام شرعی را نمی دانند. آنان تا اکنون درک ننموده اند که خمس حکمی است که از خود واقعیت و احکام بخصوص خود را دارد. به هر حال؛ قبل از بحث پیرامون خمس باید پرسید که باقی احکام سلام را کجا نهادینه کرده اند؟ آیا زیر چتر نظام جمهوری که مبتنی بر احکام مبدأ سرمایه داری است، احکام نظام اسلام را تطبیق می کنند؟ واقعیت آن شبیه کسی است، که در داخل می خانه دنبال تلاوت قرآن کریم، فراگیری یا شناخت آن می گردد. در حالی که نظام اقتصادی سرمایه داری ربا را در بانک های یمن و بانک مرکزی در صنعاء تطبیق می کند، پس حکم اسلام کجاست؟ حوثی ها نمی دانند، که قبل از جنگ با یهود و امریکا علیه الله متعال اعلام جنگ نموده اند. آیا گوش های آنان این قول الله متعال را نمی شنود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [بقره:

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) الله بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید! اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد!

آیا خُمس به عنوان حکم باقی مانده و جلوگیری از ربا حکم نمی‌باشد؟ آری! حکم ربا و دیگر احکام کجایند؟ در فضای حاکمیت احکام ناعادلانه و مغایر اسلام؛ چگونه امکان دارد که برخی احکام اسلام تطبیق گردد؟! حوثی‌ها امروزه در فضای غیراسلامی به بهانه تطبیق حکم خمس در تلاش اند تا به غارت اموال میلیون‌ها انسان فقیر و نیازمند بپردازند؛ پس اسلام کجاست؟ همان‌گونه که آخندها در ایران و عراق که میلیون‌ها تن را بخاطر اعمار زیارت‌گاه و گنبد‌ها اجیر ساخته است، در حالی که مردم روز به روز گرسنه و فقیرتر شده؛ ولی اربابان‌شان روز به روز ثروتمند می‌گردند؟!

حکم اسلام در رابطه به خُمس واضح است. چنان‌که در آیه قرآنی آمده است، در صورت جنگ با کفار، خُمس از مسلمانان به عنوان غنیمت بدست می‌آید، نه این‌که در حالت آرامش و برادری! پس در صورت فقر، بد حالی، نبود امنیت، سلامتی، موجودیت امراض و بآء و وضعیت بد اقتصادی، حالت ما چگونه خواهد بود؟!

سوم- رکاز: رکاز عبارت از اموال مدفون در زمین می‌باشد، مانند: نقره، طلا، جواهرات، مروارید، اموال زینتی، اسلحه، برابر است که این‌ها گنجینه‌های مدفون از اقوام گذشته چون مصریان، بابلیان، آشوریان، ساسانیان، رومیان و یونانیان باشد و یا هم پول، اموال زینتی و جواهراتی که در قبرستان‌های پادشاهان و بزرگان آنان و یا در ویرانه‌های شان یافت گردد و یا هم پول طلائی یا نقره‌ئی باشد که در ایام جاهلیت یا ایام گذشته اسلامی بخاطر پنهان‌سازی، داخل کوزه یا چیزی دیگری گذاشته شده باشد، که این همه "رکاز" محسوب می‌گردد.

بنابراین همه اموال مدفون اعم از طلا، نقره، اجناس زینتی، جواهرات و غیره که در قبرستان‌ها یا ویرانه‌ها، شهرهای امت‌های گذشته، زمین موات، خرابه‌های قوم عاد، اجناس دفن شده عصر جاهلیت یا عصرهای گذشته اسلامی، مربوط کسی می‌گردد، که آن را پیدا نموده باشد و این شخص تنها خُمس این اموال را برای بیت المال پرداخت خواهد کرد.

بنابر این، تمام معدن‌های کم و حساب نشده از طلا و نقره، چه زیر زمین باشد و یا هم معدن ریزه و کوچک که در زمین موات که متعلق به کسی نیست، یافت شود، به پیدا کننده آن تعلق گرفته و خُمس آن پرداخت می‌گردد.

خُمسی که از پیدا کننده رکاز یا معدن گرفته می‌شود، به منزله "فیء" بوده و حکم آن را به خود گرفته و در بیت المال گذاشته می‌شود و در دیوان "فیء و خراج" درج گردیده و به عنوان فیء و خراج به مصرف می‌رسد، کار آن به خلیفه واگذار می‌شود و وی آن را در امور امت و تحقق مصالح‌شان، بنا به رأی و اجتهاد خود در راستای خیر و صلاح به مصرف می‌رساند.

سوم- ملکیت عامه: ملکیت عامه به منزله نیازمندی‌های عام جامعه بوده که در زندگی روزمره همانند آب ضروری می‌باشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم صفت آن را در احادیث وضاحت و تفصیل داده اند، چنانچه می‌فرمایند:

عن أبي خراش عن بعض أصحاب النبي ﷺ قال: «النَّاسُ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: الْمَاءِ وَالْكَلاِ وَالنَّارِ»

ترجمه: أبو خراش از بعضی اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که فرمود: مردم در سه چیز با هم شریک اند: آب، چراگاه و آتش.

مصارف و ضروریات ادارات دیوان دارایی عامه، از بودجه اموال این ملکیت می‌باشد، که عبارت است از: نفت و گاز، مواد معدنی با تمام انواع آن، دریاها و رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، چشمه‌ها، جنگلات، مراتع و چراگاه‌ها.

همه این موارد ذکر شده ملکیت محسوب می‌گردد؛ نه این‌که مانند حکومت‌های امروزی همه آن را ملکیت دولت محسوب می‌نمایند؛ زیرا این یک حق بدون تبعیض برای تمام مسلمانان است. پس چرا این تبعیض وجود دارد؟ در صورت تطبیق نظام اسلامی، از جمله نظام اقتصادی، فقیر، مسکین و نیازمندی یافت نخواهد شد؛ زیرا تقسیم اموال مطابق احکام اسلامی صورت خواهد گرفت، نه مطابق احکام مبدأ سرمایه داری. برابر است که رعایا از بنی هاشم، عبدالمطلب، سعید، خالد، تمیم، رومی، حبشی باشند یا غیر از آنان. به همین ترتیب کسانی که صدقه دریافت نمی‌کنند، مانند افراد دیگری از امت در مقابل کارشان حقوق بالایی را از مال دولت و ملکیت عامه دریافت خواهند کرد.

این گروه با چشم‌پوشی از مسیر قرآنی، احکام و قوانین آن نشان داده اند که آنان یک گروه سیکولار بوده و از دین الله سبحانه و تعالی چیزی جز گرفتن اموال مردم به شکل غیر قانونی نمی‌دانند و احکام شرعی اهمیتی برای شان ندارد. پس این گروه فرقی میان ملکیت عامه، ملکیت دولتی و ملکیت فردی نگذاشته و میان "رکاز" و "ملکیت عامه" تمییز قائل نگردیده اند. احکام زکات را نمی‌دانند. بنابر این مردم یمن باید این گروه مانند هسته خرمین دورش اندازند؛ زیرا آنان احکام اسلام را تحریف نموده اند و شبیه سایر گروه‌هایی اند که ادعا می‌کنند طبق قانون الله سبحانه و تعالی حکم می‌رانند. این امر نیز در مورد حکام خائنی چون اردوغان، حکام ایران، آل سعود، حکام جنایت‌کار کتانه و سایر رومی‌ها صدق می‌کند.

لازم است تا اهل یمن این قوانین باطل را رد نموده و در راستای تطبیق کلی اسلام، کار نمایند و اسلام را نه تنها بخاطر مصلحت یا منفعت؛ بلکه بنا به اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی تطبیق کنند.

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [مائده: 44]

ترجمه: و آنانی که مطابق احکامی که الله (سبحانه و تعالی) نازل کرده است، حکم نمی‌کنند، کافرند.

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾ [بقره: 79]

ترجمه: پس وای بر آن‌ها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: این، از طرف الله است تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آن‌ها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!

از شما دعوت می‌کنیم، با حزب التحریر همکاری کنید تا نظام اسلام را تحت عنوان دولت دوم خلافت راشد بر مبنای منهج نبوت که الله سبحانه و تعالی وعده آن را به ما داده و سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم نیز بشارت آن را داده است، تأسیس نماییم.

نویسنده: عبدالرحمن العامري- ولایه یمن

23 شوال 1441هـ.ق

مطابق با یکشنبه، 14 جون 2020م

مترجم: عمر موحد